



مقطع تحصیلی: کاردانی □ کارشناسی □ رشته: معماری .....ترم: دوم ... سال تحصیلی: 1398-1399  
 نام درس جامعه شناسی معماری..... نام و نام خانوادگی مدرس:.....شاهین امیرشفاقی .....  
 آدرس email مدرس:.....mystudent20@gmail.com... تلفن همراه مدرس:.. تماس از طریق ایمیل و تشکیل  
 گروه تلگرام توسط یک نماینده ایدی تلگرام telegram.me/tiktakeomr

جزوه درس:..... مربوط به هفته : چهارم □ پنجم ■ ششم □  
 text: دارد ■ ندارد □ voice: دارد □ ندارد ■ power point: دارد □ ندارد ■  
 تلفن همراه مدیر گروه : .....

## 2-5 همگونی کالبدی و الگوهای تعامل اجتماعی:

به نظر می رسد که افراد ساکن در محیط های کالبدی با اندازه، شیوه معماری و واحدهای مسکونی هم ارزش با هم رابطه اجتماعی بیشتری دارند. دلیل این رابطه ارتباط مستقیم و یک به یک مردم نیست. فرض این است که افرادی که چنین مناطقی را برای زندگی انتخاب می کنند به دلیل همگونی ارزشها تعامل بیشتری دارند. تحقیق ترنس لی (1970) در بریتانیا جنبه های اداری این مشاهده را تایید می کند ولی در تایید افزایش تعامل مردم مدرکی را ارائه نمی نماید. مردمی که در یک منطقه همگون یا به بیان لینچ در یک «محله» زندگی می کنند احتمال بیشتری دارد که تصویر ذهنی روشنی از محله خود داشته باشند. ولی روشن نیست که این نتیجه گیری چه حاصلی برای طراحی دارد.

معماران، طراحان محیط و طراحان شهری، محیط را با هدف تامین فرصت هایی برای روابط شخصی طراحی می کنند. اگر نظام های اجتماعی و اداری استفاده از این محیط ها را حمایت کنند، احتمال بیشتری وجود دارد که از قابلیت های پیش بینی شده محیط استفاده شود. در صورت نبود چنین حمایت، احتمال استفاده از خدمات موجود به میزان قابل توجهی تقلیل می یابد. آپارتمان های مسکونی و هتل ها می توانند با فضاهای ورودی وسیع و اثاث مناسب طراحی شوند، و در خوابگاههای دانشجویی و دفاتر اداری برای گردهمایی های رسمی و غیررسمی فضاهای نشیمن مشترک در نظر گرفته شود. نتیجه به دست آمده از طراحی ها چنین دقتی را نشان نمی دهد.

در این موارد موضع گیری های متفاوتی وجود دارد. یکی از این مواضع این است که اگر در طراحی، خواسته های مردم در نظر گرفته نشود، محیط ساخته شده حاصل از آن قابلیت تامین تعامل اجتماعی را خواهد داشت. در غیر این صورت محیط ها مورد استفاده قرار نمی گیرند و ساخت آنها موجب اتلاف سرمایه خواهد بود. موضع گیری دیگر این است که معمار باید بر مبنای «خوب» بودن روابط متقابل اجتماعی، به وجود آوردن فرصت های لازم را هدف طراحی قرار دهد، و به این ترتیب امکان استفاده از سودمندی های تعامل اجتماعی را برای مردم فراهم آورد.

ادامه حیات نهادها و سازمانهای اجتماعی وابسته به وجود روابط متقابل اجتماعی است. این که به وجود آوردن قابلیت لازم برای روابط اجتماعی منجر به رشد احساس «اجتماع» در سازمانهای تجاری، نهادها و محلات مسکونی می شود یا نه، موضوع بحث های زیادی بوده است.



### 3- فضای شهری بستر تعامل اجتماعی

#### 1-3 تعامل اجتماعی رویکردی به پایداری:

یکی از هدف های اصلی شهرسازی تعالی بخشیدن به زیستن است. بنابراین شهرسازی باید فضاهایی متمایز برای فعالیت های مختلف انسان فراهم آورد و آنها را به نحوی به هم پیوند دهد که محتوای عاطفی آن کنش خاص در حیات آدمی، که در آن فضاها رخ می دهد. تقویت شود و در این بین انسان محور اصلی و کانون توجهات شهرسازی باشد.

زندگی جریان پیوسته تجربه است؛ هر کنس یا لحظه از زمان پیامد تجربه ای است پیشین و آستانه تجربه ای می شود که قرار است رخ دهد. وقتی به شهرسازی از این منظر بنگریم در کنار هنرهایی چون شعر و موسیقی جای می گیرد. چرا که در آن هیچ چیزی را نمی توان بدون ارتباط با آنچه درست قبل یا بعد از آن می آید تصور کرد. لذا باید تاثیراتی که فضای شهر در شرکت کننده ایجاد می کند همواره مدنظر شهرساز قرار گیرد. چرا که این تاثیرات مبنای رفتار وی با شهرش را تشکیل خواهد داد. بدون شک شهرسازی مدرن با بی توجهی به مسایل فرهنگی فضای شهرها. در جو سیاسی - اجتماعی زمان حاضر کشش بیش تری دارد. اولویت دادن به مسایل ترافیکی و افتادن در دام روش های فنی، به جای توجه به نیازهای مردم برای ایجاد یک محیط زیست قابل تحمل اتفاقی نیست (کریر، 1375). البته همه افراد به جو شاعرانه و عناصر ترنم انگیز آهنگ فضای شهر اهمیت نمی دهند. در واقع این سرعت تغییرات است که ارتباط عادی میان طراح و چیزی را که باید طرح شود از بین برده است: جمعیت بیش تر، مسکن بیش تر، وسایل آسایش بیش تر، ارتباط سریع تر. و روش های ساختمانی غیرمعمول و ناآشنا (کالن، 1377). سرعت تغییرات اجازه نمی دهد تا سازنده های محیط بر اوضاع مسلط شده و با کسب تجربه بیاموزند چگونه مواد خامی که در اختیار آنها قرار می گیرد می تواند به نیازهای انسانی تبدیل شود. انسانی که علاوه بر نیازهای فیزیولوژیک نیازهای خاص فرهنگی، روانی و عاطفی دارد، پس سواالی مطرح می شود که در کشاکش این سازندگی آیا نمی بایست در این کار بازنگری شود؟ این ساخت و ساز شتاب زده و بدون اندیشه برای پاسخ گویی به نیاز کیست؟

یکی از بزرگ ترین دستاوردهای بشری ساختن شهر است. شکل شهر همواره شاخص بی رحم تمدن بشر بوده و خواهد بود. مجموعه تصمیمات مردم ساکن آن شهر، شکل شهر را تعیین می کند پس شهر هنر مردم است (بیکن، 1376)، تجربه ای است مشترک و فضای شهری که فضاهای فرهنگی را نیز شامل می شود نه برای نگاه کردن بلکه برای بودن در آن خلق شده است که ما را به عمق خود می کشاند و در تجربه ای در گیرمان می سازد که همه افرادی که در آن حرکت می کنند در آن شریک اند. مردم با محیط زیستشان که پیوستگی بسیاری با تاریخ آن دارد در آمیخته اند. منبع این احساس هویت، معماری شهر و داستان پیچیده آن است. ناآگاهی ما از تاریخ سبب تفسیر غلط و برداشت اشتباه از گذشته و ویژگی بخش روابط آینده ماست. آرزوی قطع رابطه با میراث گذشته بسیار کوتاه بینانه است، با چنین کاری شخص خود را از هزاران سال تجربه محروم می سازد. در آغاز قرن گذشته پیشروان حرکت مدرن سبک سرانه این روش را به ما نشان

قابل توجه مدرسین محترم: حداقل 4 صفحه در هر هفته برای ارایه محتوای درس و یک صفحه برای خلاصه درس و نمونه سولات در نظر گرفته شود.



دادند حال آن که همه آنها دارای تحصیلات عالی و دانش کافی درباره تاریخ گذشته بودند و ما امروز با سلاح ناکافی باید تمام آن سهل انگاری ها را جبران نماییم (کریر، 1375).

شهر مکانی است که در آن متولد می شویم، رشد می کنیم، کار می کنیم، سکونت می گزینیم، تجربه می کنیم، آینده را می سازیم، و مراد اجتماعی داریم. شهرها مفاهیم بسیار اساسی نظیر «شهرنشینی»، «شهروندی»، «تمدن»، «سیاست» و «دموکراسی» را آفریده اند و باید مکانی مناسب برای همبستگی جمعی، پیوند اجتماعی و اعتلای فرهنگی باشند، اما امروزه برای بسیاری از افراد با «بی نظمی»، «آشوب»، «خشونت»، «آلودگی» و «گسست اجتماعی» مترادف شده اند. تحولات وسیع و سریع اخیر سبب دگرگونی در مفاهیم شهروندی و شهرنشینی سنتی در مملکت ما شد و اصول و ارزش های حاکم بر شهرسازی سنتی ما پیش از آنکه امکان انطباق با شرایط جدید را بیابد فراموش شد. اما شهرنشینی گذشته ما واجد بسیاری ویژگی های مثبت است که باید به آنها بها داد. در این مقاله همان طور که اشاره شد برخی مفاهیم کلیدی مورد بررسی قرار گرفته است و نهایتاً پیشنهاداتی در مقیاس محلات شهری طرح شده است.

### 2-3 محله:

از زمان های قدیم شهرها در شرق و غرب صرف نظر از مشابهت های عملکردی، تفاوت های اساسی در ساختار و کالبد خود را به نمایش گذاشته اند. قطعا در شرق و غرب دیدگاه یکسانی در مورد زندگی جمعی و زندگی خصوصی افراد وجود نداشته است. چنانچه می بینیم از دوران باستان (یونان و روم) زندگی عمومی شهروندان بر زندگی خصوصی آنها در کالبد شهر مقدم بوده است در حالی که کالبد شهر سنتی ایرانی براساس حرمت حریم خانواده ها و اهمیت خلوت گزینی شکل گرفته است؛ لذا در این رابطه آگاهی از چگونگی به کارگیری مفاهیم مورد مطالعه در شهرسازی سنتی ایران ضروری است هر چند هدف تجزیه و تحلیل عناصر تشکیل دهنده کالبد شهر نیست اما برای رسیدن به نتیجه، بررسی اجمالی برخی از اجزاء اصلی تشکیل دهنده ساختار کالبدی شهر سنتی ایران لازم است.

خانه: خانه واحد اصلی زندگی اجتماعی و در مقیاس شهر کوچک ترین جزء آن بوده است.

محله: جوامع محلی یا همسایگی را می توان محدوده های کوچک تر و به عنوان جزیی از جوامع بزرگ تر محسوب کرد که از قدیم الایام ساختار شهرها را به وجود آورده اند. محله قلمرو یک گروه اجتماعی است که تماس های شخصی بسیاری در میان آنها برقرار باشد. همواره این نکته برای طراحان شهری مطرح بوده است که چگونه قلمروی را که از جانب گروه های مختلف خودی تلقی می شود، شناخته و آن را مشخص کنند. به طور کلی عوامل بسیاری در نحوه استفاده از فضا و احساس نسبت به آن موثر است که می توان آنها را چنین خلاصه کرد: ارتباط با محیط زیست، ادراک محیط و راحتی روانی، توانایی برقراری روابط اجتماعی و تمایل به آن، مالکیت، آسایش فیزیکی، امنیت و نظارت اجتماعی و معنی و خوانایی مکان، محله برای ساکنان آن، فرصتی برای به وجود آوردن برخوردهای غیررسمی و انسجام اجتماعی است. شناسایی و تمیز مکان ها و سازمان دهی آنها در ساختار ذهنی، نه تنها به افراد اجازه عملکرد موثر را می دهد. بلکه منبع احساس امنیت، دلپذیری، خوشایندی و درک نیز هست. از سوی دیگر محله با مفاهیم سمبلیک و فرهنگی خود نیز تعریف



می شود. این واحد هنگامی بهتر شناخته خواهد شد که مرزهای کالبدی آن با مفاهیم سمبلیک ادغام شوند. محلات مسکونی با حریم مشخص و گاه کاملاً بسته از مشخصه ها و اجزاء اصلی ساختار شهر سنتی ایرانی است. محلات براساس خصوصیات قومی، محلی، مذهبی، صنفی و گاه موقعیت و منزلت اجتماعی شکل می گرفتند و انسجام محلات در مواردی بر هویت مذهبی آنها استوار بود.

مرکز محله: مراکز محلات نقاط کانونی اجتماعی و عمومی ترین عرصه محلی و محل برخورد و تجمع هم محله ای ها محسوب می شد. این گونه مراکز عموماً به صورت میدانچه ای با اشکال هندسی منظم و غیرمنظم بوده و بازارچه محل، حمام، مسجد و تکیه، آب انبار و سایر اماکن مذهبی، مدرسه و فضاهای خدماتی در اطراف آن استقرار می یافت. مرکز محله گاه خطی بود و بخشی از گذر اصلی محله محسوب می شد. وجود مزاری مقدس نیز در شکل گیری مرکز در محلی خاص بسیار موثر بوده است. وجود تنوع عاملی است که سبب غنای هویت شهر می شود. شهرهای امروزی ملغمه ای از خرده فرهنگ های شهری هستند. برای افزایش غنای فرهنگی شهر و افزایش ارتباطات، هر یک از گروه های قومی و خرده فرهنگ های شهری نیاز دارد که قلمروی خاص خود را داشته و شیوه زندگی خویش را دنبال کند. یک محله خوب باید توافقی میان خواست ساکنان برای خلوت مورد نیازشان، برای برقراری درجاتی از برخوردها، و یاری خواستن ها و مشارکت برقرار کند. توجه به با هم بودن و جمع بودن اصلی مهم در شهرسازی است.

ما امروزه در شهر تهران با مفهومی سمبلیک محله را به صورت روانی با خود به همراه داریم در حالی که ظرف کالبدی آن مخدوش شده است و در شهرسازی امروز جای خود را عمدتاً به «بلوک» های شهری سپرده است در حالی که در گذشته محلات شهری وظیفه ساخت کالبدی شهر و ایجاد سلسله مراتب شهری (چه کالبدی، مکانی، چه مدیریتی) را به نحو مطلوب به انجام می رساندند. در حالی که در حال حاضر جایگاه محله در طرح های شهری و سازمان ها و ارگان های مسئول امور شهری مخدوش است. حتی تعاریف یکسان و هماهنگی نیز در این رابطه وجود ندارد که نیازمند توجه و بازنگری است.